



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران  
سه شنبه ۲ شهریور ۱۳۹۵ - ۲۰ ذیحده ۱۴۲۷  
سال هجدهم، شماره ۴۸۹۲  
۱۶ صفحه - قیمت: ۳۰۰۰ تومان

### ۷۰ دانشجوی نخبه مدال‌های المپیاد علمی خود را به رهبر انقلاب اهدا کردند



- یادداشت‌های امروز
- دست خدایی رجایی و شیشه‌های دودی ما!
  - رهاوردهای دیپلماسی امنیت و اقتدار
  - کرملین به یمن رسید
  - المبیک، مدیر یت المبیکی می خواهد که ما نذاریم! فریدون حسن

یادداشت  
علی علوی

### دست خدایی رجایی و شیشه‌های دودی ما!

چند روز پیش یکی از دوستان به نکته‌ای درباره برخی مسئولان نظام - و به تعبیر من بیشتر مدیران دولتی - اشاره کرد که اشاره دقیق و ظریفی بود. او گفت: «این روزها مسئولان از دست مردم فرار و خود را از ایشان پنهان می‌کنند! شاهد مثال شیشه‌های دودی خودروهای مسئولان است که حتی برخی مدیر کل‌ها - که به واقع یک مدیر جزء هستند - در خودروهای تشریفاتی با شیشه‌های دودی دور از چشم مردم در شهر می‌چرخند.»

نکته ظریفی است، چرا باید این طور باشد؟ من ریشه آن را در عذاب وجدان از بی‌مسئولیتی یا کم‌مسئولیتی می‌بینم. وجدان مقام مسئول یا مدیر دولتی ما این روزها از خود شرم دارد و از اینکه نمی‌تواند یا نتوانسته برای مردمش کار در خوری انجام دهد اما از فاه و حقوق خود نمی‌گذرد و بر سر آن چانه می‌زند، دچار عذاب است و همین عذاب وجدان او را از میان مردم و از دل مردم به پشت شیشه‌های دودی می‌گریزند. مدیران دولتی ما برای مردم حرف حساب و حرف شنیدنی ندارند و حرف‌هایشان را پشت تریبون می‌زنند و خود را از میان جمعیت می‌گریزند اما این همه حقیقت نیست. انقلاب ما حقیقت دیگری دارد و آن شهید رجایی بود. کیومرث صابری (گل آقا) خاطره‌ای از شهید رجایی دارد که نشان می‌دهد اوضاع همیشه پشت شیشه‌های دودی نمی‌گذشته است. او می‌نویسد: «دم در صحن، از اتومبیل پیاده شدیم. تا لحظه‌ای که شهید رجایی از در وارد نشده بود، توجه هیچ کس به او جلب نشد. داخل جمعیت شده بود و داشت می‌رفت، ما نیز همراه او. تازه از در داخل شده بودیم که کسی یک خرده او را شناخت و به صدای بلند گفت: «صل علی محمد - یار امام خوش آمد». یکبار به موج جمعیت، رجایی را از جا کنده و بُرد و بُرد و ما را به دنبال او. چند قدمی نرفته بودم که «صادق» آعزی از پشت، یقه کتف را گرفت و کشید. در یک لحظه، موج جمعیت رفت و من و صادق باقی ماندیم.

التهاب و شوق بودن با جمعیت، مرا از توجه به واقعیت باز داشته بود. یکبار با جمعیت و همراه رجایی رفته بودم و نزدیک بود زیر دست و پا بمانم. از آن روز به بعد، همین که جمعیت به طرف رجایی می‌آمد، من از صحنه می‌گریختم!

آن روز هم برای اینکه عقب نمانم، قبل از بازگشت رجایی از حرم، به داخل اتومبیل پناه بردیم. دقایقی بعد، جمعیت انبوه، رجایی را تا دم در ماشین آورد. وقتی رجایی به داخل ماشین آمد، عرق کرده و خسته بود. همه می‌خواستند او را ببوسند، دستش را بگیرند و خود را به او برسانند. جمعیت چندین هزار نفری، همه چنین توفعی داشتند و عجیب بود که رجایی هم از این کار بدش نمی‌آمد.

در داخل اتومبیل به او گفتم: «اگر این وضع ادامه پیدا کند و شما هر جا که می‌روید، این طور لای جمعیت منگنه شوید، دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند.»

همان طور که نفس نفس می‌زد، گفت: «چند نفر دستم را گرفته بودند و به طرف خود می‌کشیدند، جمعیت هم مرا به طرف دیگر می‌برد. در یک لحظه احساس کردم که دستم دارد از شانم کنده می‌شود.»

گفتم: «اگر چند محافظ بین شما و جمعیت حائل شوند، شما از مردم جدا می‌شوید و این وضع پیش نمی‌آید.» گفت: «بی‌دست می‌شود زندگی کرده، ولی بی‌مردم نمی‌شود!»

# بوق کنسرت‌ها روی سمفونی بیکاری

رئیس‌جمهور در روز پزشک از ۲ عنوان همیشگی «برجام و تلگرام» و بحث تازه کنسرت‌ها سخن گفت اما حرفی از ۶ میلیون بیکار، رکود اقتصادی و حتی حاشیه‌های اخیر پزشکی نزد

مخاطبان باهوش این همایش می‌دانستند که سخنران کار را می‌کشد به سوی برجام و شاید تلگرام! و آن کس که حسابگر تر از همه بود می‌دانست که حالا وقت کنسرت است که صدایش آنقدر گوشخراش هست که بتواند سکوت حزن انگیز رکود و بیکاری را تا فصلی دیگر و سخنانی دیگر به گوشه اغما ببرد.

«کنسرت» است، مثل یک بوق که روی سمفونی رکود و بیکاری کشیده می‌شود. دیروز حاضران در همایش روز پزشک در مرکز همایش‌های ابوریحان میزبان رئیس‌جمهور بودند اما ذکاوت و تجربه به آنان می‌گفت که قرار نیست درباره پزشک و پزشکان چیز زیادی بشنوند و نه حتی درباره رکود اقتصادی و نه حتی درباره بیکاری و نه شاید احتمالاً درباره رابطه خراب شده میان بیمار و بخش درمان. بلکه

بوق کنسرت‌ها روی سمفونی بیکاری در کشور نواخته شد! دیروز روز پزشک بود و این روزها «قیامت» بیکاران است. قیامت ۶ میلیون بیکار که هر روز دسته‌های چند صدتایی از آنان با هم از کارخانه‌ها اخراج می‌شوند، آنگونه که می‌توان از سکوت غمبار آنان یک سمفونی بزرگ ساخت و امتداد نگاه زسان و بچه‌های مردان بیکار جامعه را تا دور دست‌های افق محرومیت کشید اما حرف در جامعه ما حرف

بقیه در همین صفحه

## چپ‌خوانی زنجیره‌ای بادروغ بزرگ از جلسه غیر علنی

«دیپورت IPC به دولت» آیا روز «آچمز منتقدان نفتی» است

و آیا «تکلیف وزارت نفت به اصلاح قراردادهای نفتی» شکست منتقدان است؟! صفحه ۴



با یادآوری تلخی بدعهدی‌های کاخ سفید به مردم کوبا

### ظریف هم به حیاط خلوت امریکا پا گذاشت



### شاتناژ رسانه‌ای در مرگ دختر افغانستانی

سخت‌گویی وزارت بهداشت: روند درمانی «لطیفه» مثل بیمار ایرانی طی شد و پزشکان نمی‌توانستند عمل پیوند را مانند بسیاری از بیماران دیگر روی لطیفه انجام دهند

### حضور پر نشاط هموطنان کرد در برنامه پرمخاطب شبکه نسیم

### با دیدن خندوانه «حالمان چاکه»

داستان کل کشور:

### روزانه ۳۸۵۰ کانتینر بدون نظارت وارد کشور می‌شود!

### قاچاقچی ۸۰۰ تنی مواد دستگیر شد

# بانک مهر اقتصاد

توسعه و تعالی اقتصاد

## با ما ۱۸۰ هزار شغل جوان‌زاد

تخصیص بیش از ۴۶ هزار میلیارد ریال اعتبار

### در حمایت از صنایع تولیدی و تبدیلی

www.mebank.ir (۰۲۱) ۸۹۸۹۲۰

### بوق کنسرت‌ها روی سمفونی بیکاری

ادامه از همین صفحه  
اینکه حرمت مشهدالرضا با کنسرت‌ها حفظ می‌شود یا نمی‌شود، بحث دیگری است. بحث اصلی این است که اصلاً این یک «بحث اصلی» نیست. مگر دهها مشکل مشهد از فقرای حاشیه‌نشین تا حمل و نقل تا مترو تا تورسیم فحشا تا زائران کم‌درآمد، هیچ‌گاه محل دعوا بوده است که لغو یک کنسرت با بلیت گرانی که فقط پولدارها از عهده آن بر می‌آیند، محل بحث و جدال می‌شود؟! بهتر نیست موضوع اختلاف میان حرمت مشهدالرضا و حرمت قانون به قدر همان حرمتی که برای ۶ میلیون بیکار ایرانی گذاشته می‌شود، بزرگ شود، یعنی «تقریباً هیچ»! یا دست کم بیکاری و رکود را هم به همان اندازه کنسرت‌ها در تریبون‌ها اهمیت دهیم؟! دیروز رئیس‌جمهور در مراسم دیدار با جامعه پزشکی کشور که به مناسبت روز پزشک و هفته دولت در مرکز همایش‌های بین‌المللی ابوریحان برگزار شد، سکوت بیکاران را با آهنگ لغو یک درصدی کنسرت‌ها به هم آمیخت: «بی‌قانونی خوب نیست و بی‌قانونی به نام دین و دلسوزی بدتر است. افتخار ما این است که کشورمان کشور قانون است و امام (ره) بارها بر اینکه حکومت اسلام و جمهوری اسلامی حکومت قانون است، تأکید کردند چرا که اگر قانون زیر پا درود سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. یک جا می‌خواهد کنسرتی برگزار شود، مجلس قانونگذاری شکل می‌گیرد، در حالی که ما مجلس شورای اسلامی داریم و هر کسی که صبح بیدار می‌شود و یک تریبون پیدا می‌کند نمی‌تواند قانونگذاری کند و وزیر نیز نباید تبعیت کند چرا که وزیر باید تابع قانون باشد.» اشاره روحانی به آنکس که صبح برمی‌خیزد و قانونگزاری می‌کند، آیت‌الله علم‌الهدی امام

### خبر سنجی

### آنیلی و مطهری!

دکتر محمدحسن قدیری ابیانه، سفیر اسبق ایران در مکزیک در کانال شخصی‌اش نوشت: ادواردو آنیلی فرزند صاحب کارخانجات اتومبیل‌سازی لامبورگینی، فراری، لایچا، فیات، الفارومو که از مادر یهودی و از پدر مسیحی بود و به تشیع گروید، در اولین سفر خود به مشهد مطهری را بیان کرد که ذکر آن خالی از لطف نیست. او را بردند به شهر بازی مشهد، تا شهر بازی را که بنیاد شهید ساخته بود، به او نشان دهند. او آنجا گفت: یک شهر در اروپا معروف بود به شهر مذهبی. لایتک‌ها که از شهرت مذهبی آن شهر ناراحت بودند، آنقدر مراکز تفریحی ایجاد

کردند که آن مرکز مذهبی را تحت الشعاع مراکز تفریحی قرار دادند و دیگر آن شهر را به عنوان مرکز مذهبی نمی‌شناختند بلکه به واسطه مراکز تفریحی‌اش یاد می‌کردند. او تأکید کرد: مراقب باشید که همیشه مشهد را به حرم امام رضا (ع) بشناسند و نه به مراکز تفریحی. او که به تشیع گرویده بود برای مشهد و حرم امام رضا (ع) حریم قائل بود ولی علی مطهری برای مشهد حریم قائل نیست. ادواردو به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسید و علی مطهری به خاطر مواضعش مورد تمجید محافل صهیونیستی و از جمله رادیو اسرائیل قرار گرفته است.